روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
شنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۱ • ۱۸ ذی‌القعده ۱۴۴۳ • ۱۸ ژوئن ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۰۵ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۲۰:۴۴
اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنامه شرق

• بازار اصفهان یکی از زیباترین بازارهای تاریخی ایران است که در سایه بی‌توجه به ایمن‌سازی و مرمت اکنون در آستانه تخریب است.
عکس: صادق بصیرت/ باشگاه خبرنگاران جوان

دیالوگ روز

جهان با من برقص - سروش صحت - ۱۳۹۷

جهانگیر (علی مصفا): اولین باری که می‌خواستم خونه اجاره کنم، یه کم پول قرض کردم. موقعی که می‌خواستم پس بدم، دوستم نگرفت، گفت «این قرض توئه به نفر بعدی!».

الان دارم فکـر می‌کنم من توی زندگیم چیزی به بعدیا دادم؟ کاش داده باشـم، بعد برم. اون‌وقت می‌شـینم و به آدما نگاه می‌کنم. نگاه می‌کنم و گاهی گریه می‌کنم، گاهی هم می‌خندم...

هرمزان

آقای شهرداری، دو هفته چند روز می‌شود؟

فریدون مجلسی

ابناء بشر هرکدام کمبودها و کسالت‌هایی دارند، بنده هم یکی از آنها، عادت دارم هرروز ساعت دو بعدازظهر برای آگاهی از آنچه در ایران و جهان می‌گذرد، ضمن خوردن ناهار، اخبار صداوسیما را درباره فلسطین و یمن و سوریه و اخیرا روسیه و اوکراین، همچنین بدبختی‌هایی که موجب عقب‌ماندگی جهان‌خواران شـده است و تیراندازی‌ها و قتل و غارت در سرزمین‌های آنها می‌شنوم و پس از آن نوبت به اخبار دستاوردهای داخلی، تحلیل‌های اقتصادی و شرح اختراعات اشـتغال‌آفرینان دانش‌بنیان داخلی معمولا بهتر از نمونه خارجی می‌رسـد و منظور این است که با جمع و تقسیم اخبار بلندگوهای بیگانه و ادعاهای داخلی به میانگینی دسـت بیابم. مسئله‌ام را با دوسـتی روان‌پزشک در میان گذاشتم، گفت به این بیماری مازوخیسم یا خودآزاری می‌گویند. گفتم دارو هم دارد؟ گفت دارو نمی‌خواهد، درمان خیلی سـاده است. گوش نکن! بنشین کتاب بخوان. اما اعتیاد است دیگر! در چندین روز گذشته در تحلیل اداری و اقتصادی اخبار سیما به بحثی برخوردم حاکی از اینکه به موجب بخش‌نامه یا قانون، در شرایط رکود کنونیِ ساخت‌وسـاز، شهرداری‌ها از دو سال پیش موظف شده‌اند صدور پروانه تخریبِ و نوسازی بناهای فرسوده را ظرف «دو هفته» انجام دهند! البته صدور این پروانه مرحله پیش از کشـیدن نقشه طبق ضوابط و گرفتن پروانه ساختمان اسـت که مقتضیات خودش را دارد. سیما در بحث‌های بعدی مقام شهرداری را هم شرکت داد که مدعی شد ضرب‌الاجل دوهفته‌ای مربوط به آنهایی است که بدهی و مشکلی نداشته باشند، وگرنه حل هر مشکل زمان خودش را می‌برد. باری چهار شریک از نزدیکان پس از تلاشی چندساله و پرداخت هزینه‌ها و «رفع موانع» موفق به خرید خانه متروکه‌ای به مسـاحت ۱۱۴ متر در منطقه ۶ تهران در کوچه‌ای شدند که ۸۰ درصد خانه‌های نسبتا کوچک آن نوسازی شده است. چهار برگ سـند تک‌برگی مشـاع تر و تمیز خود را نیز در همین چهار ماه پیش دریافت کردند. با توجه به دلایلی به من وکالت دادند که مقدمات گرفتن پروانه و رجوع به مهندس و پیمانکار را برایشـان فراهم کنم که طبق ضوابط هرگونه هزینـه‌ای را بپردازند و همه مقررات و ضوابط را رعایت کنند تا بتوانند هر کدام صاحب یک آپارتمان ۶۵متری بشـوند. بنده هم بـه فرد زحمتکش اداره‌جاتی وکالت در توکیل دادم که این کار ساده را حل‌وفصل کند. معلوم شد باید نخست به دفتر خدمات شـهرداری مراجعه و طبق تجویز آن با بهره‌مندی از سیسـتم الکترونیک اقدام را شروع کند. این کار انجام شد. درخواست به شهرداری منطقه مربوطه رفت. مهندسی برای «بازدید میدانی» اعزام شد. ایشان هم آمد و دید و گزارشـی به شهرداری منطقه نوشت. دیدیم هنوز سه روز نشده مقدمات انجام شد! بعد از چند روز پیامی به تلفن وکیل رسید که پرونده برای رفع نقص مسترد شده است! معلوم شد خانم مهندس نقشه کروکی کوچه را خواسته‌اند. کروکی توسـط مهندس بازدیدکننده تهیه و ارسـال شـد. بعد از چند روز اعلام شد که پرونده را برای رفع نقص بازگشـت داده‌اند! با مراجعه به آقای مهندس ایشان گفت خانم مهندس اشـتباه کرده‌اند و به ایشـان توضیـح داده و یکی، دو روزه پاسـخ خواهند داد. دو هفته بعد اعلام شد که پرونده برای رفع نواقص مرجوع شـده است! وکیل بدبخت به شهرداری در میدان کلانتری رفت. خانم مهندس فرمودند باید رفع نقص شـود! وکیل گفتند اگر نقص از ماست بفرمایید برطرف کنیم، اگر نقص از شماسـت خودتان برطرف کنیـد، ضمن اینکه آقای مهندس کروکی را به شـما داد و می‌گوید با شـما صحبت کرده اسـت و قبول کرده‌اید. لطفا با مهندس صحبـت کنید، خانم مهندس می‌فرمایند من با مهندس کاری ندارم! وکیل بینوا می‌گوید «ما» با شما و مهندستان کار داریم، تکلیف ما را روشن کنیـد! وکیل خودش تلفن آقای مهندس را می‌گیرد و به دسـت خانم مهندس می‌دهد! آقای مهندس به توضیحات قبلی و ارسـال کروکی اسـتناد می‌کند و خانم مهندس به وکیل می‌گوید شما حالا برو، من یک بررسی بکنم، تا چند روز دیگر پیام می‌آید. هنوز پیامک نیامده است. به وکیل زحمتکش گفتم دفعه دیگر که خواستی بروی من هم عصایم را برمی‌دارم و همراهت می‌آیم. صدای خانم بلند شـد که نمی‌گذارم، با آن قلب عمل‌کرده می‌خواهی قیل‌وقال راه بیندازی که چه؟ پس می‌افتی! به‌عنوان توهین به والدین کارمند دولت هم برایت پرونده می‌سازند! دیدم راسـت می‌گوید، عجالتا منصرف شدم! جناب آقای شهرداری، درباره چنار نوشـتیم، فقط آمدند تنه‌های باقی‌مانده را از ریشـه درآوردند و آثار جـرم رفت، درباره منار و دکان عباس‌آقا نوشـتیم، عباس‌آقا رفت محله دیگر و اهل محل ما ماندند و دعاگویی به اقوام شهرداری و دستوراتش، درباره بورسیه تحصیلی در سه‌کنج سعدی نوشتیم که هنوز برقرار است و عطرِ اِترش آن انسان را به خود می‌آورد، حالا پاسـخ‌گویی به آنها بماند، پرسش از شما این است که از ثبت تقاضایی هفت هفته گذشـته اسـت و ما در روز سوم که بازدید میدانی مهندس بود، درجا می‌زنیم. سـه روز در ۴۵ روز، حساب کنید دو هفته چند روز می‌شود؟ این مشـکل فقط در حد گرفتن پروانه تخریب برای نوسازی است، در زمینی ۱۱۴ متری با اسناد تک‌برگی چند ماه اخیر صادرشده به استناد بازدیدهای شـهرداری در محلی کهنه متعلق به چهار مالک خواهان سـاختن واحدهای مجزای ۶۵متری خودشان است، برج متروپل که نیست. سیاه‌نمایی هم نیست. بیایید ببینید.

تلخی‌های روابط شکرین

تأملی بر پدیده شوگرددی/ مامی در ایران

سیمین کاظمی
جامعه‌شناس

شـوگرمامی یا شوگرددی اصطلاحاتی هسـتند که اگرچه هنوز به‌طور رسمی معادلی برای آنها سـاخته نشـده اما پدیده‌ای در روابط بین مردان و زنان است که به‌خصوص در فضای مجازی تقریبا شناخته‌شـده اسـت. در ایران واکنش به چنین پدیده‌ای عمدتا یا در قالب طنز بوده یا مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته اسـت. دامنه واکنش به این پدیده به تولیدات سـینمایی و سریال‌ها و رسانه‌ها هم کشیده شـده که بازهم خارج از آن دو قالب طنز و ذم نیسـت. اما شـکل‌گیری رابطه‌ای که میان یک شـخص میانسال/ مسن با فردی جوان‌تر از خودش که تفاوت سنی‌شـان می‌تواند به اندازه والد و فرزند باشـد، نیاز به تأمل و مداقه بیشـتری دارد. دوست‌یابی شکرین پدیده‌ای است که در آن افراد مسن‌تر و از طبقه اجتماعی-اقتصادی بالاتر با افراد جوان‌تر که از طبقه اجتماعی-اقتصادی پایین‌تر هستند، رابطه برقرار می‌کنند. این رابطه متمرکز بر دو محور پول/قدرت و رابطه جنسی است و طی آن شخص مسن‌تر به اعتبار ثروتش، قدرت و توان آن را پیدا می‌کند که به رؤیاهایش جامه عمل بپوشاند و بر ممنوعیت‌های اجتماعی رابطه با اشخاص جوان‌تر از خود فائق شود. در این مبادله طرف مسن‌تر در ازای رابطه جنسی/عاطفی طرف مقابل را که شخصی جوان و فقیر است، از نظر مالی حمایت می‌کند. طرف جوان رابطه، نیز برای رفع حوائج مالی‌اش به چنین رابطه‌ای تن می‌دهد و از سایر ملزومات رابطه چشم‌پوشی می‌کند.

بدیهی اسـت رابطه بین دو انسـان اگر بنـا بر اختیار و انتخاب آزادانـه طرفین و رها از ملاحظات مادی باشد و در شـرایط برابر شکل بگیرد، فارغ از ویژگی‌های بیولوژیک طرفین قابل احترام اسـت ولی چنین روابطی وقتی مبنای پولی پیدا می‌کند، شکلی از بهره‌کشی و اسـتثمار است که باید با آن مقابله کرد. از آنجا که در رابطه شکرین، عشق به‌عنوان سنگ بنـای رابطه میان مرد و زن حضور ندارد و هرکدام از طرفین برای دسـتیابی به خواسـته یا نیازی شـخصی و خودخواهانه و به شکلی حسـابگرانه وارد چنین رابطه‌ای می‌شوند، برخی محققان آن را به‌عنوان صورتی از فحشـا شناخته‌اند و درصدد شناسایی تبعات آن که بهره‌کشـی و خشونت جنسـی مخصوصا برای دختران جوان است، برآمده‌اند. برخی مطالعات از منظر روان‌شـناختی نیز پذیرش رابطه شکرین را به ویژگی‌ها و مشکلات روانی افراد نسبت می‌دهند.

اما در مواجهه با روابط شـکرین یک پرسـش مهم این اسـت که چه شـرایط و بستر اجتماعی به شـکل‌گیری این روابط منجر می‌شود. پاسخ این پرسش را می‌توان با توجه به ماهیت روابط شکرین که تبادل پول و رابطه جنسی/عاطفی است، پیدا کرد و منطقی است کـه دو عامل شـرایط اقتصادی نامطلوب و تغییرات اجتماعی را در ظهور روابط شـکرین دخیـل بدانیم. از یک طرف وقـوع بحران اقتصادی که تبعات آن فقر و بی‌کاری هسـتند، بخش بزرگی از جامعه به‌خصوص جوانان را تحت تأثیر قرار داده است و از طرف دیگر در جامعه‌ای که در آن نابرابری و فقر گسترش یافته، هم‌زمان ارزش‌هایی مانند موفقیت‌های مـادی، مادی‌گرایی و محوریت پول، دم غنیمت‌شـماری، فرصت‌طلبی و زرنگی و ریاکاری ترویج می‌شود که ممکن است مسیر زندگی افراد را از صراط مستقیم مورد انتظار جامعه به مسیرهای دیگری تغییر دهد. علاوه بر اینها برخی پدیده‌های اجتماعی مانند افزایش طلاق، بالارفتن سن ازدواج و تنهایی تحمیلی، کمترشدن نظارت اجتماعی در کلان‌شهرها و تسهیل روابط (به‌ویژه از طریق شبکه‌های مجازی) از جمله عواملی هستند که اجازه می‌دهد نیاز به رابطه برای افراد ایجاد شود و راه‌های نامتعارف برآوردن این نیاز فراخ‌تر و هموارتر شوند و به‌این‌ترتیب افرادی در موقعیت شـوگرددی و شوگرمامی قرار گیرند. مقارن با آن شرایط اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی و توزیع غیرعادلانه منابع و سـرمایه‌ها، موجب می‌شود جوانی که برای برآوردن حوائج مادی‌اش منبعی در اختیار ندارد، به تنها سرمایه‌اش، یعنی سـرمایه بیولوژیک متوسل شود و با ورود به رابطه شـکرین ناکامی‌هایش را جبران کند و به‌این‌ترتیب در نقش شوگربیبی قرار گیرد.

اگرچه روابط شکرین اغلب بین مردان مسن و دختران جوان برقرار می‌شود اما در جامعه ایران بیشـترین و شـدیدترین واکنش به رابطه بین زنان میانسال/ مسن با مردان جوان‌تر از خودشـان است. این واکنش شـدیدتر، متکی به مفروضات مردسالارانه‌ای است که رابطه قـدرت میان دو جنس را به‌طور نابرابر به نفع مردان تنظیم می‌کند. بر اسـاس مفروضات مردسالارانه مرد باید با زن کم‌سن‌وسال‌تر از خودش رابطه برقرار کند و بتواند نقش نان‌آور او را ایفـا کنـد و به‌این‌ترتیب به‌راحتی بر زن اعمال قدرت کند. بر این اسـاس رابطه‌ای که هرکدام از این قواعد را نقض کند، غیرقابل‌تحمل و محکوم اسـت. علاوه بر این بر اسـاس همان هنجارهای مردسـالارانه رابطه جنسی و عاطفی برای زنان بالاتر از سن باروری فاقد موضوعیت و مشروعیت است، درحالی‌که برای مردان چنین روابطی تا دوران سالخوردگی عادی و طبیعی شمرده می‌شود. با این اوصاف اگر زن ثروتمند مسن با مرد جوان فقیر وارد رابطه ازدواج یا غیر آن شود، مورد نقد و نکوهش قرار می‌گیرد و واکنش به چنین رابطه‌ای به‌مراتب شدیدتر از واکنش به رابطه و ازدواج مردان مسن ثروتمند و قدرتمند با زنان جوان فقیر است. گو اینکه صورت دوم چون با مفروضات مردسالارانه هماهنگی دارد، کمتر جای چون‌وچرا باقی می‌گذارد و با تسامح بیشتری با آن برخورد می‌شود.

همان‌طورکه اشاره شد در فضای اجتماعی ایران بیشترین واکنش به شوگرمامی‌هاست و به جد و طنز بسیار از آن سخن می‌رود اما به نظر می‌رسد با توجه به موقعیت فرودست زنان در جامعه ایران درباره چنین پدیده‌ای اغراق شده است. در ایران با توجه به وضعیت اقتصادی زنان، نه شـمار زنانی که بتوانند مخارج شـخص دیگری را بپردازند چندان زیاد است و نه محدودیت‌ها و الزامات اجتماعی جامعه مردسالار ایران اجازه می‌دهد که زنان به‌راحتی وارد چنین شـکلی از رابطه شوند. واقعیت این اسـت که شوگرمامی‌ها هرچند تعدادشان کم باشد ولی بیشـتر از همتایان مردشان واکنش جامعه را برمی‌انگیزند، چون رابطه آنها با مردان جوان، نقض هنجارهای اجتماعی جامعه سـنتی و مردسـالار است و نقض این هنجارها توسط زنان کمتر تحمل می‌شود.

رابطه شکرین صرف‌نظر از جنسیت طرفین و صرف‌نظر از اینکه در قالب ازدواج باشد یا رابطه‌ای گذرا، حکایت از نابرابری‌های اجتماعی دارد که افراد را به مسیرهای آسیب‌زا سوق می‌دهد و به رابطه‌ای می‌کشاند که به‌جای عشق بر پول بنا شده است. بحران اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی، انتخاب‌های افراد را محدود می‌کند و به آن جهت می‌دهد؛ بنابراین در مواجهه با روابط شکرین نمی‌توان از انتخاب و تصمیم شخصی افراد سخن گفت و لازم است به زمینه‌های اجتماعی آن اندیشید و درصدد تغییر آن برآمد.

چه خبر

هیئت‌مدیـره جدید انجمـن جامعه‌شناسـی ایران انتخاب شد

انتخابـات هیئت‌مدیـره و بازرسـان دوره یازدهم انجمـن جامعه‌شناسـی ایـران هم‌زمان بـا مجمع عمومی عادی انجمن عصر پنجشـنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۱ با دستور جلسـه «گزارش و بررسی عملکرد سه‌ساله انجمن» و «اعـلام نتایج انتخابات» برگزار شـد. دکتر سیدحسـین سـراج‌زاده به‌عنوان رئیس هیئت‌مدیره و دکتـر پیام روشـنفکر مدیـر کمیتـه برنامه‌ریزی و ارزشـیابی از عملکرد سه‌ساله هیئت‌مدیره دوره دهم انجمـن (۱۴۰۱-۱۳۹۸) گزارشـی ارائـه کردند. دکتر باسـتانی، خزانـه‌دار، درمورد گزارش مالی سه‌سـاله انجمن سـخن گفت. سپس دکتر پرویز اجلالی بازرس انجمن، گزارش مالـی و عملکـرد هیئت‌مدیره دوره دهم انجمـن را تأیید کـرد و بر اقدامـات انجمن در زمینه‌های مسـئولیت ترویج دانش اجتماعی، تحقق مسـئولیت اجتماعی بـا همکاری سـایر انجمن‌های علمـی، عملکرد گفت‌وگویـی هیئت‌مدیره تأکید کرد. ایشان همچنین گزارشی از اقدامات خود برای تقویت مشارکت اعضای انجمن و تقویت تعامل هیئت‌مدیره، اعضای انجمن، کمیته‌ها و گروه‌های انجمن ارائه و نیز به رسیدگی دو مورد شـکایت از هیئت‌مدیره انجمن، اشـاره کرد. در پایان نتایج انتخابات هیئت‌مدیره دوره یازدهم انجمن با حضور دکتـر عبدالامیر نبوی (ناظر وزارت علـوم، تحقیقـات و فنـاوری) از سـوی دکتر فرهنگ ارشاد به شرح زیر اعلام شد. از ۳۹۹ نفر عضو ثبت‌نام‌شده در سامانه رأی‌گیری ۲۸۶ نفر رأی داده‌اند که از میـان ۱۸ نامزد هیئت‌مدیـره هفت نفر اعضای اصلـی و دو نفر عضـو علی‌البـدل هیئت‌مدیره دوره یازدهم به شرح زیر انتخاب شدند: دکتر سعید معیدفر با ۲۳۰ رأی، اسـمعیل خلیلی با ۱۵۹ رأی، دکتر بهاره آروین بـا ۱۵۲ رأی، دکتر سـمیه توحیدلو با ۱۲۸ رأی، دکتر اسدالله نقدی با ۱۲۰ رأی، دکتر ابوالفضل مرشدی با ۱۰۷ رأی، دکتر تقـی آزادارمکی با ۹۳ رأی به‌عنوان اعضـای اصلی هیئت‌مدیـره و دکتر مهـدی کرمانی بـا ۸۰ رأی و دکتر احمد بخارایـی با ۷۳ رأی به‌عنوان عضو علی‌البدل انتخاب شـدند. همچنین از میان سه نامزد بازرسی انجمن، دکتر شیرین احمدنیا با ۱۳۰ رأی به‌عنـوان بازرس اصلی و دکتر سـیامک زند رضوی با ۸۳ رأی به‌عنوان بازرس علی‌البدل انتخاب شدند.

زنان بدسرپرست می‌توانند یارانه جدا داشته باشند

اقتصادآنلاین نوشت: مدتی است بحث جدایی یارانه زنان از همسران‌شـان مطرح شـده اسـت. اینکه برخی بانـوان به دلایـل مختلف تمایل دارند کـه یارانه خود را از همسرشـان جدا کنند، آیا این موضوع ممکن اسـت؟ سیده‌طیبه حسینی، سخنگوی سازمان هدفمندی یارانه‌ها به این پرسـش پاسخ داد: افرادی که بدسرپرست هستند، بایـد بـه دادگاه مراجعه و در آنجا حکم عدم سـازش یا بدسرپرسـتی بگیرند، سـپس با آن حکم بـه فرمانداری مراجعـه کنند و فرمانداری طبق حکـم دادگاه به پلیس به‌عـلاوه ۱۰ نامـه می‌دهد و پلیـس به‌عـلاوه ۱۰ این را اعلام می‌کند که یارانه این خانم از همسـرش جدا شود. او همچنین درمورد خانم‌هایی که از همسـر خود طلاق گرفته‌اند، گفت: «اگر فردی طلاق گرفته و شوهر سابق او جـزء حذفی‌ها نبوده، خانم می‌تواند به پلیس به‌علاوه ۱۰ مراجعه و درخواسـت دهد که یارانه خود را از همسرش جدا کند».

پنجره شهر

با بیل و کلنگ گذشته، گذشته را نابود کنیم؟

زهرا نژادبهرام

حفظ هویت شـهری مبتنی بر حفظ یک‌سری داشته‌هایی است که این هویت را برای شهرها تعریف می‌کند. هویت در برخی تعاریف وابسته به مکان نیز هست و حذف مکان به عبارتی منجر به چالش جدی برای هویت می‌شـود. نگاهی به تشـکیل شهرها به ما می‌فهماند که این رویداد یکباره و خلق‌السـاعه نبوده بلکه شـهرها بر اسـاس یک دوره تاریخی شـکل گرفته‌اند. مثلا ممکن است چند روسـتا در کنار هم با افزایش کلونی‌های جمعیتی شـهری را پدید آورده باشـند. یا وجود رودخانه، خاک حاصلخیز، قرارگرفتن در مسـیر تجارت و هزار و یک بهانه دیگر شـهرهای امروزی را پدید آورده اسـت. شهرهای امروزی با توجه به سابقه شکل‌گیری به دو دسته نوپدید و تاریخی تقسیم‌بندی می‌شوند. این از شـانس ماسـت که می‌تـوان گفت قدیمی‌ترین شـهرهای جهـان جایی حوالی همین‌جا در خاورمیانه شـکل گرفته است. از این‌رو ما در ایران شهرهای تاریخی با سابقه چندهزارسـاله داریم. تهران که پایتخت ایران است هم از این داستان دور نیست. درست است که تهران چیزی حدود ۲۰۰ سال سابقه دارد و پیش از آن قریه‌ای در ایران بوده ولی شهری پر از آثار تاریخی است. این از ویژگی‌های شهرهایی با پیشینه تاریخی است که چه شـما شهر سوخته با چندهزار سال قدمت باشـید و چه تهران با دو سده به دلیل همان ویژگی‌های هویتی که موجب آفرینش شـما شده، دارای عناصر و اماکن تاریخی هستید. ازاین‌رو تهران به دلیل داشتن آثار تاریخی نسبتا معاصر در ایران شهری مهم و قابل‌توجه به حسـاب می‌آید. برای نمونه اگر بخواهیم سابقه مدرنیسم در ایران را جست‌وجو کنیم، چه شـهری بهتر از تهران؟ در این شـهر حصارهای صفوی، طهماسبی و ناصری داریم. این حصارها بیانگر همان هویتی اسـت که اجداد ما در تهران به‌جا گذاشته‌اند. همچنین می‌توان مسـیر توسـعه تهران از قریه‌ای کوچک به کلان‌شهری جهانی را هم دید. سؤال اینجاست که آیا ما سـوابق خانوادگی و شخصی‌مان را با دست خودمان نابود می‌کنیم؟ آیا شجره‌نامه‌ها و نسبت‌های اجدادی و هر چیزی که ما را به گذشتگان‌مان وصل می‌کند را با بیل و کلنگ نابود می‌کنیم؟ یا نه رفتاری متضاد این رفتار در پیش می‌گیریم؟ سـعی می‌کنیم این داشـته‌ها را چون گنجینه‌ای حفظ کنیم و بـه فرزندان و نوه‌هایمان معرفی کنیم؟ اگر اتصالی به تاریخ پیدایش‌مان نداشـته باشـیم، به نوعی بی‌هویت می‌شویم و نمی‌توانیم توضیح دهیم که از کجا آمده‌ایم و کجا می‌رویم. برای همین اسـت که حفظ میراث فرهنگی برای یک جامعه، چه در مقیاس خانواده و چه در مقیاس مردم یک شهر، موضوعی مهم و حیاتی است. در کشورهای دیگر هم می‌بینیم که این موضوع مورد توجه قرار گرفته و تلاش می‌شـود در شهرسـازی به این موضوع توجه شود که توسعه شهرها در تضاد با تخریب و ازبین‌بردن عوامل هویتی شـهر نباشد. برای همین اغلب برای چنین به‌جامانده‌های ماندگاری حریمی را در نظر می‌گیرند و در حفظ و حراست از این حریم هم می‌کوشند. هویت شهر فقط متعلق به ما نیست و ما نمی‌توانیم برای تاریخ حیات آیندگان تصمیم بگیریم و از بین ببریم. بعد از انقلاب به دلیل تحولات سیاسی رخ‌داده کم‌توجهی خاصی نسبت به میراث فرهنگی کشور صورت گرفته بود. اما نهایتا با طرح جامع و طرح تفضیلی شـهرها مسئله حفظ میراث تاریخی شهرها در دستور کار قرار گرفت و به‌عنوان یکی از مصوبات جدی در زمینه شهرسازی مورد توجه واقع شد. حتی قانونی برای حفظ میراث فرهنگی هم در مجلس شـورای اسـلامی به تصویب رسـیده. با این منظر اگر به تهران نگاهی بیندازیم، می‌بینیم که تعداد زیادی اثر تاریخی ثبت‌شده وجود دارد که همه موظف به حفظ و نگهداری از آن هسـتیم. بـرای نمونه در تهران می‌بینیم که عمده آثار تاریخی در بافتی قرار دارند که ساکنان و همسایگان آن علاقه دارند برای بهره‌برداری‌های بهتر اقتصادی ساخت‌وسـازی در حریم اثر انجام دهند. اینجاست که باید از ظرفیت‌های قانونی برای حفظ میراث اسـتفاده کنیم. برای نمونه بخشـی از محله سنگلج به‌عنوان میراث در نظر گرفته شده است. برای همین ارتفاع خانه‌هایی که باید در آنجا ساخته شود، با محدودیت‌هایی مواجه است. این محدودیت برای حفظ حریم بناهای تاریخی محدوده است. این محدودیت موجب متضررشدن شهروندان می‌شود. یکی از راهکارهایی که برای جبران این ضرر در نظر گرفته شـده بود، «حق انتقال توسعه» است. یعنی اگر شهروندی به‌جای یک سـاختمان پنج‌طبقه مجبور به ساخت بنای دوطبقه شده، معادل ضرری که کرده در مناطق دیگر شهری که شـهرداری معین می‌کند، فرصت ساخت‌وساز دارد. این ایده به دنبال حفظ میراث فرهنگی از یک‌سو و همچنین حفظ حقوق شهروندان از سوی دیگر اسـت. اتفاقی که در عمل رخ می‌دهد اما چندان مطابق با این تصویر نیست. یعنی معمولا به‌جای استفاده از این ظرفیت قانونی فقط به دنبال این هستند که با نادیده‌گرفتن اهمیت حریم‌های قانونی میراث مشـکل را حل کنند. درحالی‌که مدیریت عالی شـهری می‌تواند با تعریف فضاهای شهرسـازی این تعادل ظریف بین حقوق شـهروندی و حفظ میراث فرهنگی را حفظ کند. وزن‌دادن زیاد به حقوق شـهروندان و نادیده‌گرفتن اهمیت مسـائل تاریخی و هویتی شـهری یکی از آفاتی است که مدیریت شهری به آن مبتلا شده و به‌این‌ترتیب تیشـه به ریشـه میراث مهم و تاریخی می‌زند. در این میان برخی معتقدند دولت یا شهرداری‌ها باید خودشـان رأسا وارد شوند و این بناها را خریداری و حفظ کنند. حال آنکه می‌دانیم به دلیل گستردگی فراوان این بناها اساسا امکان چنین مسئله‌ای وجود ندارد. بلکه این نهادها با وضع قوانینی مردم را به حفظ این آثار و همچنین درآمدزایی از آنها تشویق می‌کنند، مانند آنچه در رم، استانبول یا بروکسل رخ داده و بافت تاریخی ضمن حفظ‌شدن توسط مردم وارد حوزه اقتصاد فرهنگی شده است. ازاین‌رو شنیدن حرف‌هایی که در جهت نابودی این میراث ارزشـمند زده می‌شود هم نگران‌کننده و هم ناامیدکننده اسـت. امیدوارم از ظرفیت‌های قانونی برای حفظ شهرها استفاده شود و به آیندگان هم این فرصت داده شود که شهرها را با هویت واقعی‌شان درک کنند.